

مدیریت انتظامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقایسه آن با دیدگاه‌های حضرت علی (ع)

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲
تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۱۳

دکتر اصغر افتخاری^۱، دکتر سیدرضا حسینی^۲ و سرهنگ ۲ حسین خزلی^۳

چکیده

مدیریتی انتظامی باید متناسب با شئون مذهبی و دین مبین اسلام و برگرفته از تعالیم اسلامی، قرآن کریم و ائمه معصومین باشد تا ضمن برقراری نظم و امنیت و آرامش شهروندان، بر اساس اصول ارزشی اسلامی، مدیریتی مطلوب بر این حوزه اعمال شود. نوع پژوهش کاربردی و روش آن تاریخی (اسنادی) است. داده‌های پژوهش از طریق فیش برداری از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها جمع‌آوری شده است. شاخص‌های بررسی پژوهش بر اساس اصول پنجگانه مدیریتی (برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و رهبری، نظارت و کنترل) است. سؤال اصلی تحقیق «وجوه اشتراک و افتراق (در سطح تاکتیک‌ها) الگوی مدیریت انتظامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و حضرت علی (ع) کدامند؟» می‌باشد و نتیجه حاکی از این است که دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) برگرفته از دیدگاه‌های حضرت علی (ع) بوده و بر اساس اصول علمی مدیریت کاملاً منطبق بوده و در عمل با اصول مورد نظر حضرت علی (ع) هم‌ترکیب شده است. حضرت علی (ع) نیز اصول علمی مدیریت انتظامی را رعایت می‌نموده‌اند اما به صورت مدون امروزی نبوده است و در عمل این اصول را با اصول اخلاقی دین مبین اسلام و اصول مدیریت انسانی توأم اجرا می‌نموده‌اند. متغیرهای زمانی و مکانی بر اصول مورد اشاره تأثیری نداشته و در هر زمان و هر مکان قابلیت اجرا داشته و در سطح تاکتیک به وجوه افتراقی چون عدم کاربرد ظاهری اصول مدیریت، تاکید بر جنبه‌های خاص توسط حضرت علی (ع) برخورد می‌نماییم که افتراق در تاکتیک به حساب می‌آید. فقط مقتضیات فرهنگی، پیچیدگی‌ها و پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی اقتصادی و ابزار مدیریت جوامع امروزی با جوامع دوران صدر اسلام بر تاکتیک‌های اجرای این اصول تأثیر گذاشته و موجب افتراق تاکتیک‌های اصول مورد اشاره متناسب با شرایط و مقتضیات شده است. در پایان الگویی از اصول مشترک مدیریت انتظامی منطبق بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و حضرت علی (ع) ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها:

مدیریت انتظامی اسلامی / Islamic Policing - امنیت / Security - مدیریت انتظامی امام خمینی (ره)
Imam Khomeini-based Policing - مدیریت انتظامی حضرت علی (ع) / Imam Ali-based Policing

■ **استناد:** افتخاری، اصغر؛ حسینی، سیدرضا؛ خزلی، حسین (تابستان ۱۳۸۷). «مدیریت انتظامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقایسه آن با دیدگاه‌های حضرت علی (ع)». **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**، سال سوم، شماره دوم: ۱۹۲-۲۱۶

۱. استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
۲. عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی
۳. کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

مقدمه

مطالعات و تحقیقات موجود نشان می‌دهد که مسئله نظم و امنیت از گذشته همواره یکی از دغدغه‌های انسان و جوامع بشری بوده و دلیل اصلی تن دادن به زیست جمعی، همین موضوع می‌باشد. بدین ترتیب او را به تأسیس نهاد ملی‌ای به نام دولت رهنمون ساخت تا بتواند در مقابل گذشتن از بخشی از حقوق و اختیارات فردی اش، به منافع حیاتی و مهم دست یابد. همین امر موجب شد تا زمینه انتقال جامعه انسانی از وضعیت طبیعی به وضعیت مدنی مهیا شود. از این زمان است که جامعه انسانی با حضور عنصر تازه و مقتدری به نام دولت، نظم تازه‌ای را تجربه می‌کند نظمی که توقع می‌رود بتواند امنیت مطلوب را برای شهروندان به ارمغان آورد (افتخاری، ۱۳۷۹، ص ۲۵-۲۶).

پس از تأسیس دولت لازم می‌آید تا دستگاهی اجرایی با برخورداری از توان قانونی، با متخلفان برخورد نموده و نظمی مطلوب را در کلیه امور به کمک زور قانونی، به وجود آورده و حفظ نماید. یکی از این نظم‌ها، نظم عمومی است که منجر به استقرار آرامش، امنیت، صلح و سازش و مهیا نمودن امکانات برای برقراری روابط اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و حفظ حقوق جامعه از تعرضات و همچنین کنترل و متوقف نمودن ارتکاب هرگونه اعمال غیرمجاز در جامعه می‌شود. همچنین حوزه‌ای به نام امنیت انتظامی وجود دارد که هم در تعریف و هم در مصداق می‌توان حوزه مشخصی را برای آن ترسیم کرد و سازمان ویژه‌ای چون پلیس و قوای انتظامی را موظف به تولید، حفظ و توسعه آن دانست. مدیریت بر حوزه نظم و امنیت عمومی و انتظامی از وظایف نیروهای انتظامی است که حائز اهمیت بالایی بوده و در کنترل جرائم و هدایت امور انتظامی و به تبع آن احساس امنیت و رضایت شهروندان نقش بسزایی دارد.

بیان مسئله: ظهور سازمان‌های اجتماعی و گسترش روزافزون آن‌ها یکی از خصیصه‌های بارز تمدن بشری است. به این ترتیب و با توجه به عوامل گوناگون مکانی، زمانی، ویژگی‌ها و نیازهای خاص هر جامعه، هر روز بر تکامل و توسعه این سازمان‌ها افزوده می‌شود. بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهدافی طراحی شده و با توجه به ساختارش نیازمند نوعی مدیریت است. سازمان‌های یک جامعه جهت ایفای وظایف و کارکردهای خود نیازمند محیطی امن، منظم و آرام می‌باشند که این محیط و امنیت توسط سازمان‌های انتظامی مهیا می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی که کار برنامه‌ریزی برای ساختن جامعه‌ای نمونه در ایران آغاز شد، با توجه به تنوع شاخه‌های مدیریتی، تخصصی و نو بودن این دانش و ارائه نظریه‌های بی‌شمار که گاه بر ارزش‌های اسلامی نیز منطبق نبودند، تهیه متون با ارزش در زمینه مدیریت اسلامی، چندان آسان نبود. لذا مراجعه به متون مدیریت اسلامی

و الهام گرفتن از دیدگاه‌های مدیریتی بزرگان دین خصوصاً حضرت علی(ع) و حضرت امام خمینی(ره) می‌توانست منشا پیدایش بسیاری از اصول مدیریت برجسته اسلامی باشند. که چنانچه در بحث انتظامی نیز این اصول استخراج گردند بسیار قابل استفاده و کاربردی خواهند بود. اما با توجه به این که عوامل و متغیرهای گوناگون زمانی، مکانی، نیازها، ویژگی‌های خاص هر جامعه و پیچیدگی‌های روزافزون مسائل جوامع، در الگوی مدیریتی، خصوصاً مدیریت در مسائل انتظامی تأثیرگذار بوده، به طور طبیعی تفاوت‌هایی در سطح تاکتیک پدید می‌آید، که پژوهش حاضر به دنبال درک، تحلیل و بیان این وجوه می‌باشد.

سؤال اصلی پژوهش این است که وجوه اشتراک (در سطح مبادی و راهبردی) و افتراق (در سطح تاکتیک‌ها) الگوی مدیریت انتظامی حضرت امام خمینی(ره) و حضرت علی(ع) کدامند؟ و سؤالات فرعی آن عبارتند از: ۱- ارکان و الگوی مدیریت انتظامی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) کدام است؟ ۲- ارکان و الگوی مدیریت انتظامی از دیدگاه حضرت علی(ع) کدام است؟ ۳- وجوه اشتراک (در سطح مبادی و راهبرد) الگوی مدیریت انتظامی حضرت امام خمینی(ره) و حضرت علی(ع) کدامند؟ ۴- وجوه افتراق (در سطح تاکتیک‌ها) الگوی مدیریت انتظامی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) و حضرت علی(ع) کدامند؟

ضرورت تحقیق: نیروی انتظامی از سازمان‌های اجتماعی است که با جان و مال و نوامیس مردم و حفظ مهم‌ترین مقوله اجتماعی یعنی نظم و امنیت سر و کار دارند. لذا مدیریت انتظامی نیاز به یک الگوی علمی و عملی کارآمد دارد که اولاً برگرفته از بینش و دیدگاه رهبران برجسته دین مبین اسلام بوده و سپس در برگیرنده تمام فضائل روحی و ملکات اخلاقی و ابعاد روحی انسان باشد. که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود. همچنین در چند دهه اخیر نظریه‌های زیادی در زمینه مدیریت ارائه گردیده که بسیاری از این نظریه‌ها در مجامع غربی ظهور یافته و صرف نظر از جنبه‌های علمی، منطبق بر دیدگاه‌های الهی و اسلامی نبوده و ارزش‌ها و کرامات انسانی را مدنظر قرار نداده‌اند. لذا ضرورت اجتماعی اقتضای آن دارد که به بومی‌سازی آن‌ها پرداخته شود. هدف از این تحقیق پیشنهاد اصول و ارکانی است که بتواند در مدیریت انتظامی جوامع اسلامی معاصر بکار آید.

مبانی نظری و مفهومی: تقریباً به تعداد مؤلفان و نویسندگان کتاب‌های مدیریت برای آن تعریف وجود دارد. ولی وجوه مشترک اکثر تعاریف مدیریت حاکی از علم و هنر، برنامه‌ریزی، هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی به منظور تأمین هدف یا هدف‌های مشترک می‌باشد.

■ **نظم و انتظام:** نظم واژه‌ای عربی است که به معنای جمع کردن اجزاء مختلف بر یک شیوه و یک سلک و مرتب کردن آن‌ها است؛ به عبارت دیگر قرار دادن هر جزء در یک

جایگاه خاص و بر یک مبنای ویژه را می توان نظم نامید و در معنای انتظام گفته شده است که قرار دادن مروریدها و امثال آن ها در یک ترتیب خاص و مرتب کردن آن ها به معنای انتظام است. به عبارت دیگر انتظام که از واژه نظم گرفته می شود نیز به معنای فعل و چیدن و قرار دادن اجزاء در یک سلک خاص است (کلهر، ۱۳۸۵).

■ **امنیت:** امن و امنیت در لغت، مقابل مفهوم خوف و اضطراب است و به معنی ترس و هراس نداشتن و احساس آرامش نمودن است.

■ **مدیریت انتظامی:** فرهنگ معین در رابطه با انتظام و انتظامی می گوید: «انتظام در رشته کشیدن مروریدها، پیوسته شدن، سامان گرفتن، به سامان شدن، به نواشدن، منظم شدن، پیوستگی، به سامانی، آراستگی، ترتیب نظم» (معین، ۱۳۷۵، ص ۱۹۸).

■ **انتظامی:** قوه هایی که حفظ نظم و آرامش مملکت برعهده آنان است. (معین، ۱۳۷۵، ص ۱۹۸).

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مدیریت انتظامی یعنی مدیریت قوایی که مسئول حفظ نظم و آرامش جامعه هستند. و این همان مدیریت عام است منتها در قسمت هایی که با نظم و انتظام جامعه سروکار دارند.

نظریه های مدیریت:

■ **نظریه تیلور:** تیلور نظریاتش را در سال ۱۹۰۳ در کتاب مدیریت کارخانه و در سال ۱۹۱۱ با انتشار کتاب اصول مدیریت علمی بیان داشت. نکته کانونی نظریات تیلور همواره این بوده است که اگر چنانچه بازده تولید بالا برده شود، هزینه ها کاهش یافته و منافع سازمان تولیدی افزایش می یابد و با ازدیاد بازده کارگران بر میزان دستمزد آنان افزوده می گردد (زارعی متین، ۱۳۸۴، ص ۴۶).

■ **نظریه اداری:** نظریه اداری از اوائل قرن بیستم و پس از انتشار کتاب «مدیریت صنعتی و عمومی» توسط هانری فایول (۱۸۴۱-۱۹۲۵) در سال ۱۹۱۶ در فرانسه و لوتر گیولیک در امریکا پایه ریزی شد. این نظریه را اغلب نویسندگان شامل روش ها و اصولی می دانند که مبتکران آن با شیوه کلی نگری به خلق آن ها پرداخته اند. با این هدف که غالب جهانی و قابل تعمیمی را برای اداره تمام سازمان ها صرف نظر از شرایط محیطی آنان از لحاظ زمان، مکان و سایر شرایط به وجود آورند. این نظریه از تجربیات مدیران سازمان های نظامی، مذهبی و دولتی ریشه گرفت و بعد مورد توجه و پیروی اهل صنعت و تجارت نیز واقع شده است. (زارعی متین، ۱۳۸۴، ص ۴۹).

■ **نظریه بوروکراسی:** این نظریه توسط جامعه شناس آلمانی، ماکس وبر (۱۸۴۶-۱۹۲۰) ایجاد و توسعه یافت. مراد از نظریه بوروکراسی، یک روش سازماندهی و مدیریت است که

در آن به رعایت قوانین و مقررات، ثبت کلیه مکاتبات و جریان امور، سلسله مراتب، تخصص‌گرایی و ساختار رسمی توجه اکید دارد. موضوع اصلی نظریات وبر عبارت است از توزیع و اعمال قدرت در مشاغل سازمان و همچنین مشروع ساختن اعمال قدرت‌های سازمانی (زارعی متین، ۱۳۷۴، ص ۵۷).

■ **نظریه روابط انسانی:** ایجاد و توسعه اولیه این نظریه توسط دانشمندان و محققینی مانند هوگو مانستربرگ و التون مایو صورت گرفته است. امروزه تحقیقات مبتنی بر این نظریه منجر به ایجاد گرایش‌های خاصی در مدیریت تحت عنوان مدیریت رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی گردیده است. این مدل و نظریه بر فلسفه انسان‌گرایی تأکید دارد و بر آن است که با نفوذ در افراد سازمان و ایجاد فضای باز انسانی در سازمان با استفاده از نیروی انسانی و روابط انسانی، انگیزش، رفتار فردی و گروهی به پیشبرد اهداف سازمان بپردازد (زارعی متین، ۱۳۷۴).

■ **نظریه مدیریت بر مبنای هدف:** اساس فلسفه مدیریت بر مبنای هدف این است که کارکنان به اتفاق مدیران خود هدف‌های روشن و قابل اندازه‌گیری برای عملکرد آتی خود تعیین نمایند. و در طول زمان با نیاز به دریافت بازخورد به بررسی نتایج و اصلاح امور بپردازند. با توجه به آن مدیریت بر مبنای هدف سیستمی است که از طریق آن کارکنان و مدیران برای یک دوره معین به تعیین اهداف واضح و قابل اندازه‌گیری و راه‌های دستیابی به اهداف معین می‌پردازند (زارعی متین، ۱۳۷۴، ص ۹۳-۹۴).

■ **نظریه سیستم‌ها در مدیریت:** این نظریه یک روش فکر کردن و تحلیل کردن است. امروزه روش سیستماتیک در تمام سطوح تحقیقاتی و در موارد گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. از بررسی یک ذره اتم تا ساختمان موتور اتومبیل، بدن انسان، سازمان‌های پیچیده، کره زمین و منظومه شمسی می‌توان از نظریه سیستم‌ها بهره گرفت. در واقع، نظریه عمومی سیستم‌ها کلیه علوم را در بر می‌گیرد (زارعی متین، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱-۱۰۲).

■ **نظریه اقتضایی:** این نظریه برای پیدا کردن شیوه‌های مدیریت مناسب برای هر شرایط درصدد آن است که ارتباط وظیفه‌ای بین شرایط محیطی و موقعیت مشخص با مفاهیم و فنون مدیریتی مقتضی به منظور نیل به هدف برقرار کند. بنابراین، معتقد است که هر شرایط محیطی، شیوه مدیریت خاص خود را می‌طلبد (زارعی متین، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱-۱۳۴).

■ **نظریه رضائیان:** دکتر رضائیان مدیریت را «فرایند بکارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل می‌داند که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت گیرد». ایشان برای مدیریت اصولی را بیان میدارند که بشرح زیر است (رضائیان، ۱۳۸۲، ص ۵): برنامه‌ریزی،

سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و سرپرستی، و کنترل.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از حیث نوع کاربردی و از حیث روش تحقیق، تاریخی(اسنادی) است. در ادبیات و مباحث نظری، از طریق فیش‌برداری از کتب، مقالات و پایان نامه‌ها اطلاعات جمع آوری شده است. به عبارت دیگر، برای تبیین الگوی مدیریت انتظامی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) از منابعی چون مجموعه ۲۲جلدی صحیفه امام خمینی(ره)، و برای تبیین دیدگاه‌های حضرت علی(ع) از نهج‌البلاغه استفاده گردیده است. شاخص‌های بررسی مدیریت بر اساس اصول پنجگانه مدیریتی (برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و رهبری، نظارت و کنترل) به کار گرفته شده است.

یافته‌ها

♦ **نظم و انضباط اساس برنامه‌ریزی انتظامی:** در اولین روزهای پیروزی انقلاب هرج و مرج و اعتصابات بی مورد و خرابکاری افراد فرصت طلب و معاند در آن وضعیت می‌توانست به عنوان تهدیدی انتظامی، نظم و انتظام و امنیت جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده و باعث نگرانی و از بین رفتن احساس امنیت شهروندان گردد. این موضوع بسیار حائز اهمیت بوده و نیاز به برنامه‌ریزی انتظامی دقیق و حساب شده‌ای داشت که توسط حضرت امام مورد توجه و اقدام قرار گرفت. ایشان با برنامه‌ریزی و ارائه خط مشی مناسب به علماء و روحانیون و سایر مردم، مانع تقویت این حرکت‌ها شده و تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌نمودند. ایشان در سخنرانی ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ در جمع اصناف و پیشه‌وران اعتصابی در خصوص رویارویی با هرج و مرج و پایان اعتصابات چنین فرمودند:

نباید بگذارید هرج و مرج شود، شیاطین می‌خواهند منعکس کنند که در ایران دموکراسی نیست، ایران قابل عدالت نیست، ایران قابل آزادی نیست. بایدای برادران من نگذارید که این مسائل پیش بیاید و این گفتارهای نامربوط گفته بشود. باید آرامش را حفظ کنید؛ همه شما موظفید برای حفظ شهر. الآن که یک شهری است انقلابی باید همه شهر، همه افراد مؤمنین و مسلمین با هم تشریک مساعی کنند و از این اشراری که می‌خواهند شلوغ کاری بکنند، می‌خواهند منازل مردم را غارت کنند، جلوگیری کنید. نگذارید که چهره ملت ما تحریف و ملت ما پیش ملت‌های دیگر خجل بشود. الآن تمام ملت‌های دنیا، تمام دول دنیا چشمانشان به ایران دوخته شده که ایران در این انقلاب چه می‌کند. آیا بعد از سرنگونی رژیم منحط چه خواهد شد؟ آیا یک مرتبه هرج و مرج خواهد شد؟ آیا تجزیه خواهد شد؟ نگذارید که این حرف‌ها را بزنند؛ نگذارید که این هرج و مرج‌ها واقع بشود. همه مردم موظفند در این معنی که اسلحه‌ها را اگر دست اشرار است بگیرند. از آن‌ها و لو به کشتن آن‌ها باشد، اشرار را راه ندهید به خودتان(صحیفه امام، ۱۳۶۸، جلد ۶، ص ۱۴۵ تا ۱۴۶).

♦ توجه به جایگاه رضایت خدا در برنامه‌ریزی امور انتظامی: حضرت امام همیشه و در همه موارد، خصوصاً مدیریت انتظامی کسب رضایت خدا را اساس برنامه‌ریزی‌های خود قرار می‌داد و در همین راستا کسب رضایت امام زمان خود، که گامی در جهت کسب رضایت خدا بود، را مد نظر قرار می‌داد. ایشان در فرازی از سخنان خود می‌فرمایند:

شما ارتش عزیز ایران، شما نیروهای انتظامی ایران، از هر طبقه‌ای که هستید، شما امروز، تمام نیروهای شما امروز نیروی امام زمان (سلام الله علیه) است. کوشش کنید که رضای او را به دست بیاورید. توجه کنید به اینکه شما الان مستخدم او هستید و همه هستیم. کوشش کنیم همه که رضای او به دست بیاید که رضای او رضای خداست و اگر آن بدست آمد ما آسیب دیگر نمی‌بینیم و خوفی از چیزی نداریم (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۵۱۰).

♦ تقسیم کار و مسئولیت، تفویض اختیار و انتصاب مدیران با در نظر گرفتن کرامات انسانی: امام خمینی (ره) در سازماندهی انتظامی به مسئله تقسیم کار و مسئولیت، تفویض اختیار و انتصاب مدیران با در نظر گرفتن کرامات انسانی توجه خاصی داشته و انتصاب روحانیون به فرماندهی نیروهای انتظامی در همین جهت بوده است. احکام ذیل موید این دیدگاه می‌باشد. حکم تفویض بخشی از اختیارات فرماندهی کل قوا در نیروهای انتظامی به وزیر کشور، حکم به فرمانده سپاه پاسداران در مورد تشکیل و تجهیز نیروهای سه گانه (۲۶ شهریور ۱۳۶۴).

♦ تجهیز نیروهای انتظامی با توجه به آیات قرآنی (واعدوا لهم ما استطعتم من قوه): حضرت امام در خصوص بسیج منابع و امکانات و بکارگیری امکانات مورد نیاز سپاه پاسداران، که از نیروهای انتظامی نوظهور بود، چنین می‌فرمایند: «روسای ارتش موظفند که اسباب جنگ برادرهای ما، برادرهای پاسدار ما را فراهم کنند. تعلل نکنند، آن‌ها را مجهز کنند.» (صحیفه امام، جلد ۹، ص ۳۷۲).

♦ توجه به بسیج منابع و امکانات مردمی در امور انتظامی: حضرت امام به بسیج امکانات و منابع انسانی مردمی نیز توجه خاص نموده و دیدگاه ایشان در این خصوص حاکی از اعتماد به پشتوانه مردمی و توکل به خداوند است. ایشان در بخشی از بیانات خود پیرامون بسیج منابع و امکانات مردمی در امور انتظامی و در حمایت از قوای مسلح انتظامی چنین می‌فرمایند: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید، به ژاندارمری کمک کنید. فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند. دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد. شماها باید پشتیبانی کنید، هم از ارتش، هم از ژاندارمری و هم از قوای انتظامی و کلانتری‌ها، و همه با هم جلوی مفسده جویان را بگیرید.» (صحیفه امام، جلد ۶، ص ۵۲۹).

♦ تاکید به تفکر دفاع و نظم، وظیفه عمومی در بسیج منابع و امکانات: حضرت امام با بیان دیدگاه خود به احاد ملت مبنی بر اینکه دفاع از کیان مملکت اسلامی و جان و مال

و نوامیس مردم و حفظ نظم در کشور جنبه عمومی داشته و یک وظیفه همگانی است و تنها به قوای انتظامی اختصاص ندارد اقدام به نوعی بسیج منابع و امکانات در امور انتظامی نمودند.

♦ **حمایت مردمی (بسیج عمومی منابع و امکانات):** ایشان در فرازی دیگر از سخنان خود پیرامون برخورداری از حمایت مردمی می‌فرمایند:

بر ملت قهرمان است که با پشتیبانی بی دریغ خود از قوای انتظامی و سپاه پاسداران، این گروهک‌های ورشکسته را که در خیابان‌ها به شرارت می‌پردازند، دستگیر کرده و به محاکم صالحه تحویل دهند (صحیفه امام، جلد ۱۵، ص ۱۵۹).

♦ **نقش هدایت خودجوش مردم برای امنیت (شور انقلابی اسلامی):** امام خمینی به هدایت عامه پرداخته بود و انگیزه‌ای خودجوش در مردم ایجاد نموده بود و همواره به تقویت آن می‌پرداختند. ایشان در خصوص هدایت خودجوش مردمی در ایجاد امنیت انتظامی می‌فرمایند:

بی سابقه است که به مجرد اینکه انقلاب می‌شود، یک عده‌ای به نام پاسدار، یک عده‌ای به نام کمیته، یک عده‌ای به نام بسیج، برای امنیت داخلی و مرزها از خود مردم جوشش کنند (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۲۴۵).

♦ **نقش قدرت اسلام، ایمان و بیداری ملت در سایه تعالیم قرآنی در هدایت امور انتظامی:** حضرت امام در این خصوص می‌فرمایند:

قدرت اسلام است، این قدرت ایمان ملت است، این بیداری ملت است که در سایه قرآن کریم و تعلیمات اسلام بپا خاسته است. مستضعفین بپا خاسته‌اند و مقابل مستکبرین ایستاده‌اند، چنانکه در طول تاریخ، انبیاء با مستضعفین بپا خاستند و با مستکبرین مبارزه کردند و آن‌ها را شکست دادند ملت مستضعف ما به تبعیت از تعلیمات اسلام و قرآن کریم، دعوت اسلامی را لیبیک گفت و هرچه رنج و زحمت دید، مصمم‌تر شد و هرچه شهید داد، مصمم‌تر شد (صحیفه امام، جلد ۷، ص ۲۴۱).

■ نظارت و کنترل در امور انتظامی:

♦ **کسب رضایت خداوند، معیاری برای کنترل در مدیریت انتظامی:** ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

شما ارتش عزیز ایران، شما نیروهای انتظامی ایران، از هر طبقه‌ای که هستید شما امروز، تمام نیروهای شما امروز نیروی امام زمان (سلام الله علیه) است. کوشش کنید که رضای او را به دست بیاورید. توجه کنید به اینکه شما الان مستخدم او هستید و همه هستیم. کوشش کنیم همه که رضای او به دست بیاید که رضای اورضای خداست و اگر آن به دست آمد ما آسیب دیگر نمی‌بینیم و خوفی از چیزی نداریم (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۵۱۰).

♦ **حفظ وحدت از دیگر معیارهای کنترل در مدیریت انتظامی:** حفظ وحدت معیاری دیگر برای کنترل در مدیریت انتظامی از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌باشد که همواره نیز مورد تاکید

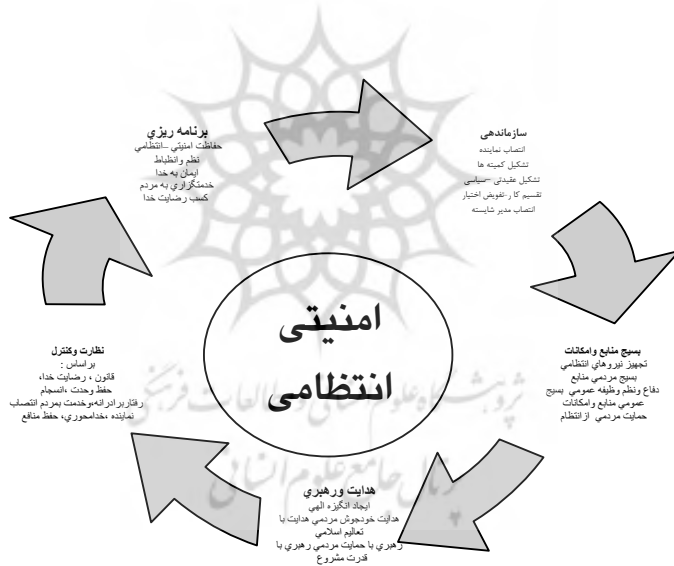
وی بوده و هر عامل مخل آن را انحراف از معیار تلقی می‌نمودند. ایشان در سخنرانی در جمع فرماندهان و مسئولین دواير عقیدتی سیاسی ارتش می‌فرمایند:
شما و سپاه و سایرین دست واحد باشید برای حفظ آبروی خودتان، برای حفظ اسلام، برای حفظ کشور خودتان (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۱۸۴).

■ اعتصام به ریسمان الهی، معیار کنترل در مدیریت انتظامی

◆ خدمتگزاری به ملت: حضرت امام خمینی خدمتگزاری به ملت را از دیگر معیارهای نظارت و کنترل در مدیریت انتظامی می‌دانستند معظم له در سخنرانی در جمع گروهی از پرسنل ژاندارمری می‌فرمایند:

شما ارتش اسلامی و ژاندارمری اسلامی و قوای انتظامی اسلامی باشید و همیشه در خدمت ملت، و ملت پشتیبان شما (صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۲۰۶).

نمودار ۱. الگوی مدیریت انتظامی استنتاجی از دیدگای حضرت امام خمینی(ره)



الگوی مدیریت انتظامی حضرت علی(علیه السلام)

■ برنامه‌ریزی امور انتظامی:

◆ برنامه‌ریزی جهت برداشتن فاصله میان کارگزاران انتظامی با مردم: از وظایف دیگر کارگزاران انتظامی، برداشتن حجاب و فاصله میان خود با مردم و برقراری ارتباط ساده،

سالم و صحیح با آنان است. این امر به عنوان یکی از اصول مدیریت و اداره امور، خصوصاً امور انتظامی، تأثیر شگرفی در روحیه مردم دارد و موجب قوت قلب و تقویت اراده آنها در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. حضرت علی(ع) در دوران تصدی خلافت، به این امر توجه خاصی داشت. ایشان در مساجد و محافل عمومی به میان مردم می‌رفت، با آنها صحبت می‌کرد، از مسائل و مشکلات آنان مطلع و آگاه می‌گشت و به حل و فصل امورشان می‌پرداخت. حضور وی در میان جمع چنان ساده و بی‌تکلف بود که مردم به راحتی امکان دسترسی و صحبت با امام و رهبر جامعه را داشتند. علی(ع) همچنین بر اهمیت اجرای این امر از سوی کارگزارانش تأکید داشت و در این خصوص به مالک اشتر فرمود:

برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آنان پردازی. برای دیدار با ایشان به مجلس عام‌نشین، مجلسی که همگان بتوانند در آن حاضر شوند و برای خدایی که آفریدگار توست در برابرشان فروتنی نما و دستور بده تا سپاهیان و نگهبانان و یاران به یک سو روند. تا سخنگوی آنها بدون هراس و بی‌لکنت زبان، سخن خویش بگویند. که من از رسول (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: «پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زبردست نتواند بدون لکنت زبان حق خود را از قوی دست بستاند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

♦ **برنامه‌ریزی جهت برخورد محبت آمیز، رأفت و خیرخواهی مدیران انتظامی نسبت به مردم:** یکی از اصول مدیریت و رهبری جامعه در سیره امیرمؤمنان(ع)، اصل رحمت، رأفت و مهر و محبت کارگزاران نسبت به مردم است. در مدیریت انتظامی افراد مظلوم، مالباخته، ستم دیده و... به منظور اخذ کمک و رسیدگی به شکایت و مشکل خود به واحد انتظامی مراجعه و از مأمور و مدیر انتظامی انتظار برخوردی مناسب و اسلامی توأم با رحمت و رأفت و مهر و محبت دارند. حال اگر مدیر انتظامی رؤف و نسبت به مردم خیرخواه نبوده و برخوردی اسلامی و انسانی به منظور رسیدگی به مشکل مردم را اعمال نکند چه وضعیتی پیش می‌آید و چه عواقب وخیمی را در پیش خواهد داشت؟ در این مورد حضرت علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر فرمود: «احساس مهر و محبت به مردم را و ملاحظت با آنها را در دلت بیدار کن.» و سپس فرمود: «پرهیز از اینکه به واسطه نیکی و مهربانی به مردم، بر آنها منت بگذاری، یا آنچه را که انجام داده‌ای بزرگ کنی و یا به آنان وعده‌ای بدهی که برخلافش عمل کنی؛ زیرا منت گذاشتن، احسان و نیکی را بی ارزش می‌کند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

♦ **برنامه‌ریزی جهت ایجاد فضای مناسب برای انتقاد و انتقادپذیری در مدیریت انتظامی:** حضرت علی(ع) از جمله حقوق واجب الهی را که بر عهده بندگان می‌باشد، یکدیگر را اندرز دادن به قدر توان، و حق را در میان خود بر پا داشتن و در این کار به یکدیگر یاری رساندن، ذکر کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷). در سیره مدیریتی حضرت علی(ع)، آزادی اندیشه و بیان، آزادمنشی و انصاف، و ایجاد فضای باز و محیط مناسب برای اظهار نظر، انتقاد،

اعتراض، تذکر و نصیحت، اصلی مورد تأیید و تاکید است و امام با روی گشاده و سعه صدر از این مسئله استقبال می‌کند.

♦ **برنامه‌ریزی جهت مقاومت در برابر تهدید و تطمیع در مدیریت انتظامی:** در سیره علوی، وقتی به امیرمؤمنان(ع) پیشنهاد کردند تا از راه بخششهای ناروا، عدهای را تطمیع کند و آنها را به حکومت اسلامی علاقهمند سازد، فرمود: «آیا مرا وادار می‌کنید از راه باطل و ستم پیروز شوم و بر دشمن غلبه کنم؟ هرگز. زیرا باطل نمی‌تواند بازوی حق باشد، چنانکه حق نیز، هرگز نیازی به کمک باطل ندارد». (نهج البلاغه، نامه ۱۲۶، ص ۱۳۱).

♦ **برنامه‌ریزی جهت برقراری عدالت اجتماعی در مدیریت انتظامی:** در سیره حکومت امام علی(ع)، عدالت اجتماعی از مهمترین اهداف و عامل پذیرش خلافت از سوی ایشان بوده است. امام در تاکید بر این اصل به کارگزارانش می‌فرماید: «بهترین چیزی که مایه روشنی چشم زمامداران و مسئولین است همانا گسترش عدل و داد در بلاد شهرهاست» (نهج البلاغه، ص ۹۸۸). و یادآوری می‌کند، هرگاه یک زمامدار نسبت به مردم امیال گوناگون داشته باشد، از اجرای عدالت باز می‌ماند. لذا همه مردم از لحاظ حق در برابر او یکسان باشند، زیرا هرگز ستم بجای عدالت نمی‌نشیند (نهج البلاغه، نامه ۵۹).

♦ **برنامه‌ریزی جهت رعایت نظم و انضباط در اداره امور انتظامی:** در حکومت علوی، حفظ نظم عمومی جامعه و انضباط کاری، از جمله وظایف ضروری کارگزاران و مدیران انتظامی شمرده شده و اجرای این اصل، عقل و خردمندی دولتمردان و مدیران را نشان می‌دهد. امام(ع) در ضرورت اجرای نظم و انجام به موقع امور به مالک فرمود: «کارها را چنان تنظیم کن که کار هر روز را در همان روز انجام بدهی و آن را به روز بعد موکول نکنی. زیرا برای هر روز کار خاصی است که باید در همان زمان انجام شود و تاخیر کار از امروز به فردا، از فردا به پس فردا موجب تراکم امور و در نتیجه، نارسایی دستگاه اجرایی و در نهایت، منجر به نارضایتی مردم خواهد شد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

■ سازمان دهی امور انتظامی:

♦ **امانت دانستن مسئولیت‌ها در سازماندهی انتظامی:** مقام و منصب در اسلام، به عنوان مسئولیت، وظیفه و امانت است. لذا نباید در امانت با نظر طعمه و ریاست نگریست. چنان که حضرت علی علیه‌السلام در این خصوص به عامل خود در آذربایجان نوشت: «پنداری حکومت و امارتی که به تو داده شده در حکم طعمه و شکار است؛ بلکه امانتی برگردن توست و باید به خوبی از آن حفاظت کنی و به استبداد و دلخواه میان مردم رفتار نکنی.» (نهج البلاغه، نامه ۵، ص ۸۳۹).

♦ **عدم واگذاری مدیریت انتظامی به افراد متملق و چاپلوس:** کارگزاران و مسئولان و مدیران

انتظامی نظام اسلامی، برای برقراری ارتباط صحیح و سالم با ملت و دریافت اخبار و اطلاعات واقعی، باید نسبت به زیردستان و مدیران مختلف اداری، حساسیت و دقت نظر خاصی داشته باشند تا افراد تنگ نظر، حسود، متملق و چاپلوس، مانع از تفقد و رسیدگی به امور مردم نشوند. در اهمیت این مسئله، حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر فرمود: «برگزیده ترین وزیران تو باید جزء پرهیزکاران و راستگویان باشند و از آن‌ها بخواه که تو را زیاد تمجید نکنند؛ زیرا ستایش آمیخته به تملق، سبب خودپسندی می شود و آدمی را به سرکشی وادار می کند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۲۵).

♦ سازماندهی بر اساس ساده زیستی کارگزاران انتظامی و دوری از تجمل و تشریفات:

♦ سازماندهی انتظامی جهت بهره مندی مدیران از مشورت و دوری از استبداد رای: حضرت علی(ع) در اهمیت این اصل فرمود: «هرگز از سخن حق و انتقاد حق و از اینکه مشورت خودتان را با من بگوئید، نسبت به من مضایقه نکنید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷).

♦ تقسیم کار و تعیین مسئول در مدیریت انتظامی: تقسیم کار و مسئولیت از مهمترین موارد در سازماندهی انتظامی است که حضرت علی(ع) در این زمینه می فرماید: «برای هریک از کارهایت مسئولی انتخاب کن، مسئولی که اهمیت کار در مانده اش نکند و زیادی و تنوع آن به پراکندگی و حیرت دچارش نسازد. و هرگاه در معاونت عیبی باشد و تو تغافل کنی، مردم آن را به حساب تو خواهند گذاشت.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱).

♦ اعتقاد به بسیج عمومی مردم در مدیریت انتظامی: حضرت در این زمینه می فرماید: «تکیه گاه دین، اجتماع مسلمین و نیروی ذخیره برای دشمنان، تنها توده مردم هستند؛ پس، گوشت به سوی توده مردم و گرایش به جانب آنان باشد.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

♦ تأمین منابع مدیریت از افراد شایسته و مؤمن در مدیریت انتظامی: حضرت علی(ع) می فرماید: «از لشکریان خود کسی را به فرماندهی قرارده که در نزدت نسبت به خدا و پیامبر و امامت از همه خیرخواه تر و پاک دل تر و عاقل تر باشد، کسانی که دیر خشم می گیرند و عذرپذیرترند و نسبت به ضعفا مهر بان و در برابر زورمندان گردنفرز، کسانی که مشکلات آن‌ها را به زانو در نمی آورد. سپس با ارباب مروت و صاحبان مکرمت بجوش و با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه الفت بگیر و آن گاه با مردمان شجاع و سخاوتمند و افراد بزرگوار؛ چرا که آن‌ها کانون‌های گرم و مراکز نیکی هستند» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹).

■ هدایت و رهبری در امور انتظامی:

♦ تشویق انگیزه تلاش بیشتر در مدیریت انتظامی: در این مورد حضرت علی(ع) می فرماید: «همیشه سپاهیان را تشویق کن و کارهای مهمی را که انجام داده اند برشمار؛ زیرا یادآوری

کارهای نیک شجاعان، سپاه را به حرکت بیشتر وادار می‌کند و آنان که تنبلی می‌کنند، به کار تشویق می‌شوند. «فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

♦ **برخورداری از پشتیبانی مردمی عامل انگیزش نیروها در مدیریت انتظامی:** حضرت در این زمینه می‌فرماید: «تکیه گاه دین، اجتماع مسلمین و نیروی ذخیره برای دشمنان، تنها توده مردم هستند؛ پس، گوشت به سوی توده مردم و گرایش به جانب آنان باشد.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹ ص ۱۱۵).

♦ **جلب اعتماد مردمی عامل انگیزش در امور انتظامی:** حضرت می‌فرماید: «بدان که هیچ عاملی برای جلب والی به وفاداری رعیت، بهتر از احسان به آن‌ها و تخفیف هزینه‌های آنان و عدم اجبارشان به کاری که وظیفه ندارند، نیست. پس لازم است از جانب تو برنامه‌ای باشد که به آن اعتماد تو بر مردم فراهم گردد، که این خوش بینی، رنج فراوانی را از دوشت برمی‌دارد. سزاوارترین فردی که شایستگی خوش بینیت را دارد، کسی است که سیاست را نیکو بداند و سزاوارترین کس به بدبینی، کسی است که سیاست را بد بشناسد.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹ ص ۱۲۹).

♦ **محبت و رسیدگی به نیروها از عوامل ایجاد انگیزه در مدیریت انتظامی:** حضرت می‌فرماید: «ارتشیان را آن گونه تفقد کن که والدین نسبت به فرزندانشان دلجویی می‌کنند و هیچ چیزی را که در جهت تقویتشان صرف می‌کنی، بزرگ مشمار و هیچ لطفی را که بهانه احوالپرسی آنان قرار می‌دهی (هر چند کم باشد) ناچیز مپندار. زیرا همین محبت‌های کم، آنان را وادار به خیرخواهی و حسن ظن نسبت به تو می‌کند. هرگز رسیدگی به مسائل و نیازهای ناچیز سپاه را به خاطر انجام کارهای بزرگشان وا مگذار؛ زیرا همین الطاف جزئی جایگاه خاص خود دارد که از آن سود می‌برند، و کارهای بزرگ نیز موقعیتی دارد که خود را از آن بینباز نمی‌دانند.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱).

♦ **تجلیل و تشویق، توبیخ و تنبیه به موقع و رعایت اعتدال در امور انتظامی:** سعادت و آزادی یک ملت، به درستی کار زمامداران و عدالت کارمندان بستگی دارد، و این امر از طریق نظارت و کنترل عملی می‌گردد. پس از آن مسئله ارزشیابی مطرح می‌شود که افراد بر اساس تلاش و زحمت و درستی کار یا کم کاری و سستی و تخلف، مورد تشویق یا توبیخ قرار گیرند. دراهمیت مسئله (ارزشیابی و کار اداری کارکنان) امام علی(ع) به مالک فرمود: «نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو برابر باشند، زیرا این کار سبب شود که نیکوکاران را به نیکوکاری رغبتی نمایند، ولی بدکاران را به بدکاری رغبت بیفزاید. با هریک چنان رفتار کن که او خود را بدان ملزم ساخته است.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۲۵).

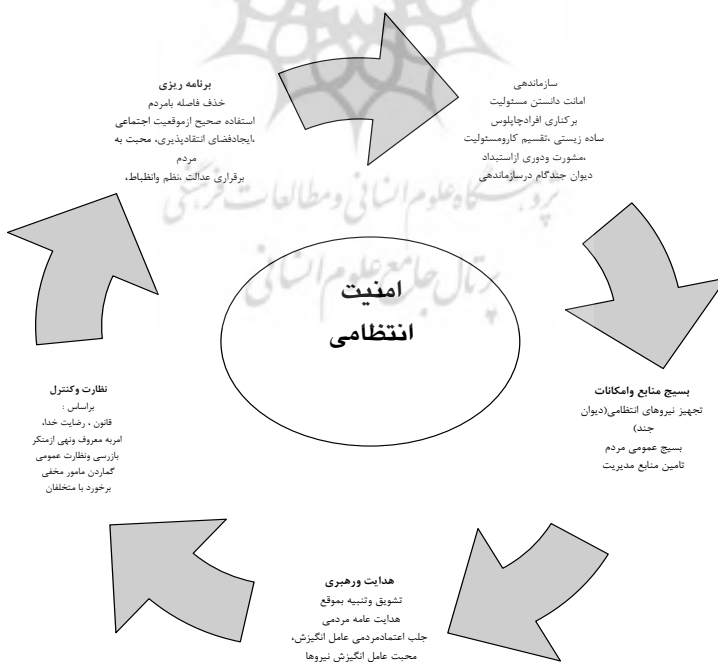
■ **بازرسی و نظارت بر امور انتظامی:** در نظارت و بازرسی عملکرد کارگزاران و مدیران جامعه،

یکی از ارکان مهم در ایجاد امنیت عمومی، اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر است که سبب اصلاح امور و جلوگیری از مفاسد اداری و اجتماعی می گردد. حضرت علی(ع) در دوران زمامداری خود، امر نظارت و کنترل کار استانداران و عاملان حکومت را به اجرا درآورد و ضمن رسیدگی به کیفیت کار اداری آنان، مسائل مالی و دخل و خرج آن ها را نیز کنترل می کرد و اگر به خیانت مالی یکی از آنان پی می برد، ضمن عزل وی از آن منصب، اموالش را به نفع بیت المال مصادره می کرد. امام(ع) در هر موقعیتی به مسئله بازرسی و پرسش از چگونگی رفتار والیان با مردم می پرداخت. ایشان در تعیین بازرسان مخفی می فرمایند: «سپس همه کارهای کارگزاران را تحت نظر بگیر و بازرسان مخفی از میان مردمانی که اهل صدق و وفا هستند، بر آنان بگمار. زیرا تحت نظر قرار دادن پنهانی امور کارگزاران، آنان را وادار به حفظ امانت و مدارا با رعیت می نماید.» (واتقی، ۱۳۸۰ ص ۱۵۰)

اقدامات امام علی (ع):

♦ **برخورد با متخلفان:** برخورد امام(ع) با تخلف و متخلف، حسب شرایط و وضعیت متفاوتی که داشتند، مختلف و متناسب بود. که برخی از اقدامات ایشان عبارت بود از (واتقی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹-۱۶۹): ۱- ارشاد و انذار، ۲- توبیخ و سرزنش، و ۳- تنبیه و مجازات.

نمودار ۲. الگوی مدیریت انتظامی حضرت علی(ع)



بحث و نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین دلایل تشکیل حکومت‌ها و دولت‌ها در طول تاریخ فراهم نمودن امنیت در همه وجوه آن بوده است. امنیت را باید مهمترین دستاورد نظریه انتظام دانست. از این منظر انتظام اصلی ضروری به شمار می‌آید که دولت و شهروندان، مکلف به ایجاد و صیانت از آن هستند؛ چرا که در غیر آن، جامعه دستخوش ناامنی شده و بدین وسیله منافع ملی و فردی هر دو تهدید می‌گردد (افتخاری، ۱۳۷۹، ص ۶۱). همان گونه که نیروهای نظامی عهده‌دار صیانت از انتظام ملی با دفع خطرات خارجی هستند، کشور محتاج نهادی خاص برای دور ساختن اشرار، برخورد با مجرمان و مخلان نظم و امنیت می‌باشد که این امر به نیروهای انتظامی محول گردیده است. لذا مدیریت مناسبی جهت اجرای برنامه‌ها و مأموریت‌های این نیروها می‌طلبد. اگر این مدیریت نشأت گرفته از تدابیر و دیدگاه‌های مذهبی دین مبین اسلام باشد، ضمن توفیق بیشتر از بهره‌دهی و کارایی مؤثرتری نیز برخوردار خواهد بود. در این راستا به بررسی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره) و حضرت علی علیه السلام در خصوص مدیریت انتظامی پرداختیم و ضمن مقایسه تطبیقی دو دیدگاه و استخراج اشتراکات و افتراقات (در سیاست‌ها و تاکتیک‌ها) دو دیدگاه چنین نتیجه‌گیری می‌نماییم.

دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) برگرفته از دیدگاه‌های حضرت علی علیه السلام است که مدیریت به طور کلی و مدیریت انتظامی به طور اخص را در خدمت وحی و انگیزه حرکت را خدمت و کسب رضایت خدا می‌داند و این مطلب نیز بیان کننده این است که زمان و مکان، تأثیری بر اصول مدیریت انتظامی ارائه شده توسط رهبران دین مبین اسلام ندارد و اصل ثابت بودن ارزش‌های بیان شده برای همه زمان‌ها و مکان‌ها است. و یا در حقیقت این ارزش‌ها مستمر و همیشگی است و البته در مکاتب مادی چنین ارزشی نمی‌تواند وجود داشته باشد. چون علوم مادی مبتنی بر یک سیر مطالعاتی و تفکرات تکوینی است. لذا هر روز در سراسر عالم انواع افکار و عقاید و اصول از جانب دانشمندان و متفکران، ارائه می‌شود. لذا ممکن است پیچیدگی‌های جامعه امروزی یا فرهنگ‌های حاکم بر ملت‌ها و یا عللی از این قبیل در اجرای اصول، آن هم به صورت ظاهری تغییراتی ناچیز پدید آورد ولی اصول ارائه شده کماکان منطبق بر آموزه‌های دینی و نشأت گرفته از توصیه‌های رهبران و پیشوایان دین مبین اسلام خصوصاً حضرت علی علیه السلام می‌باشد. در نتیجه در اصول وجه افتراقی وجود ندارد و وجوه افتراق تنها در تاکتیک‌های اجرایی آنان می‌باشد و دیدگاه‌های دو پیشوای دینی، گرچه قریب به یک قرن و نیم فاصله اجرایی دارند لیکن ثابت و قابل اجرا برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست. با عنایت به موارد ذکر شده می‌توان اصول و الگویی در مدیریت انتظامی مبتنی بر دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره) و حضرت علی(ع) به شرح ذیل ارائه نمود که الگو و اصول مذکور می‌تواند ضمن

کارایی در مدیریت انتظامی، در بسیاری از مدیریت های امنیتی، اداری، شهری و... مفید به فایده باشد. و رعایت آن اصول، در مدیریت سازمان ها، ضمن حصول سازمان ها به نتایج مورد انتظار و اهداف از پیش تعیین شده، با در نظر گرفتن تمام جنبه های انسانی و اسلامی اداره سازمان های انتظامی و... گامی موثر در اعتلای فرهنگ اسلام ناب برداشته و مشکلات و معضلات، تا حدود زیادی مرتفع گردند.

♦ **مهمترین اصول مدیریت انتظامی اسلامی:** استنتاج شده از دیدگاه های مشترک حضرت علی(ع) و امام خمینی(ره):

- ✓ اصل تعبد و بندگی خداوند در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل وحدت و هماهنگی در مدیریت و سلسله مراتب سازمانی در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل اعمال مدیریت بر اساس اعتدال و میانه روی در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل اعمال مدیریت بر اساس اختیار در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل اعمال مدیریت بر اساس تمکن و بصیرت نیروها در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل اعمال مدیریت بر اساس شایستگی در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل اعمال مدیریت بر اساس عدالت «ضابطه و قانون» در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل اعمال مدیریت بر اساس مشورت و توکل در مدیریت انتظامی؛
- ✓ اصل آخرت گرایی در هدف گذاری در مدیریت انتظامی.

♦ **وجوه افتراق (تاکتیک ها):** با بررسی و دقت نظر در دیدگاه های حضرت امام خمینی (رض) و حضرت علی علیه السلام مغایرت یا افتراقی در اصول دیده نمی شود. البته ممکن است در عنوان اصول و ظاهر کلمات تشابه کمتری احساس شود ولی در معنا و مفهوم یکی هستند و این نتیجه الهاماتی است که حضرت امام از متون دین مبین اسلام، بالاخص قرآن کریم و پیشوایان دین اسلام که همگی آنان ملهم از قرآن و سیره و روش و بیانات گهربار حضرت علی علیه السلام می باشند، گرفته اند. البته برخی اقدامات حضرت امام خمینی (ره) به تناسب پیچیدگی مسائل جامعه امروزی ایران و بینش ها و فرهنگ حاکم بر ملت ایران و با در نظر گرفتن ابعاد زمانی و بالارفتن آگاهی های عمومی مردم در ظاهر تاکتیکی متفاوت به نظر می رسد، لیکن در معنا و مفهوم، مغایرتی با نظرات و دیدگاه های حضرت علی علیه السلام در اصول ندارد. و با عنایت به اینکه اصول علمی مدیریت از قرن هیجده و نوزده میلادی تدوین و به عرصه علوم مدون پا گذاشته لذا برخورد امام خمینی با مسایل مدیریتی، خصوصا انتظامی با این اصول تقریبا همخوانی دارد ولی چون در زمان حضرت علی(ع) اصول علمی مدیریت به صورت امروزی مدون و کاربردی نبوده لذا حضرت، با الهام از علم لدنی و الهی که داشته اند این اصول را رعایت و بهار می برده اند. منتهی در تاکتیک های اجرایی طبیعی است که اختلافاتی وجود داشته باشد و آن تاکتیک ها هم متناسب

با شرایط زمانی و مکانی و پیچیدگی‌های سازمان‌ها و جامعه امروزی با عصر حضرت علی(ع) می‌باشد. با توجه به موارد فوق و برای تحلیل وجوه افتراق (در تاکتیک‌ها) الگوی مدیریت انتظامی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) و حضرت امام علی(ع) به بررسی این وجوه افتراق تاکتیکی در چارچوب اصول مدیریت و نظریهٔ مختار این تحقیق می‌پردازیم.

♦ **برنامه‌ریزی انتظامی:** حضرت امام خمینی(ره) برقراری نظم و انضباط، حفاظت از مراکز حیاتی و حساس شهرها، تاکید بر نقش خدمتگزاری در برنامه‌ریزی امور انتظامی، نقش ایمان در برنامه‌ریزی امور انتظامی، توجه به جایگاه رضایت خدا در برنامه‌ریزی امور انتظامی را در برنامه‌ریزی لحاظ می‌نمودند و اختلاف تاکتیک، به علت وضعیت خاص جامعه متبوع ایشان بوده؛ چون شرایط حاکم بر جامعه تحت حکومت امام خمینی، به علت انقلاب و برهم ریختن تمام ساختارهای انتظامی کشور، جهت هر گونه برنامه‌ریزی، ابتدا نیازمند آرامش و نظم و انضباط بود تا بتوان به یک برنامه‌ریزی صحیح اندیشید. همچنین مراکز حیاتی و حساس شهرها، هر لحظه در معرض تهدیداتی از قبیل بمب گذاری و انهدام و در نتیجه ایجاد ضایعات جبران ناپذیر به سیستم امنیتی و انتظامی کشور بود. لذا می‌بایست و با گذشت زمان و مدت‌ها حاکمیت طاغوت ممکن بود باعث تضعیف ایمان مردم شده باشد و این مسائل نقش خدمت به مردم توجه به رضایت خداوند را کمرنگ جلوه دهد؛ لذا می‌طلبید اولین برنامه‌ریزی‌ها بر اساس این موارد باشد. در زمان حضرت علی(ع) شرایط حاکم، حاکی از عدم وجود چنین مشکلاتی بود. لذا ایمان و توجه به رضایت خدا در زمان حضرت علی(ع) نهادینه شده بود و ایشان در تاکتیک برنامه‌ریزی خود بیشتر اساس برنامه‌ریزی را بر گسترش اخلاقیاتی چون برداشتن فاصله میان کارگزاران انتظامی با مردم، سوء استفاده نکردن از مقام و منصب اجتماعی و... بنا می‌نهادند که البته امام خمینی نیز بعد از این گذشت و گسترش مسائل اولیه به چنین مواردی نیز پرداختند. پس می‌توان گفت افتراق تاکتیکی در اصل برنامه‌ریزی معلول شرایط زمانی، مکانی و مقتضیات جوامع متبوع آنان که آن هم مستلزم تاکتیکی متناسب با شرایط بوده است؛ لذا اختلافی در اصول وجود نداشته است و اهداف استراتژیک آنان یکسان بوده است.

♦ **سازماندهی انتظامی:** مهمترین و معمولی‌ترین ابزارهای رسمی کردن سازمان‌ها، تهیه نمودارها و راهنماهای سازمانی است. در واقع هنگامی که سازمانی رسمیت می‌یابد اولین سندی که باید تنظیم شود تهیه نمودار سازمانی است. این مهم در ادارهٔ امور انتظامی توسط امام خمینی به علت پیشرفت‌های علمی عصر حاضر رعایت می‌شده است. اما در زمان حضرت علی(ع) به علت اینکه علم مدیریت به صورت مدون امروزی وجود نداشته، به صورت مکتوب و مدون رعایت نمی‌شده است. لذا در عمل مدیریت انتظامی طوری سازماندهی می‌گردیده که اصول و در مبانی وجه افتراقی با این وضعیت و اصل نداشته و فقط افتراق در تاکتیک و

عملکرد مشاهده می‌شود. همچنین در سازماندهی انتظامی رعایت اختیار و مسئولیت و تفویض اختیار و... می‌شده است. ما حاصل کلام در بحث سازماندهی حاکی از آن است که هر دو رهبر در مبادی و راهبرد تلاش برای ایجاد ساختاری می‌نمودند که آن ساختار منطبق بر دستورات الهی و اسلامی و سایر مصادیق دینی باشد. فقط در بحث اجرای تاکتیک‌ها افتراقاتی با توجه به وضعیت جوامع متبوعه و شرایط و پیشرفت‌های علمی عصر خویش داشته‌اند. همچنین می‌توان گفت که ساختار سازمان انتظامی عصر امام خمینی یک ساختار رسمی است که مدیر روابط سازمانی را به طور مکتوب و به کمک نمودار برای کارکنان تشریح می‌کند و در صورت لزوم هم می‌تواند به صورت رسمی یا غیررسمی انجام شود ولی ساختار انتظامی حضرت علی(ع) بیشتر به صورت سازمانی غیررسمی بوده که در آن مدیر، روابط سازمانی را به صورت شفاهی برای کارکنان توضیح می‌دهد و این روابط را بر حسب نیاز تغییر می‌دهد.

♦ بسیج منابع وامکانات انتظامی: در بحث مدیریت مالی و لجستیک حضرت علی(ع)، با جمع‌آوری خراج و خمس و زکات ولایات در خزانه بیت المال اقدام به تأمین مالی مدیریت از جمله مدیریت انتظامی می‌نمودند و در واقع منابع محدودتری داشتند و این منبع تنها منبع تأمین مالی حوزه مدیریت ایشان بود. اما امام خمینی علاوه بر درآمد ناشی از وجوهات شرعی سایر درآمدهای عمومی کشور از جمله درآمد فروش نفت و... را نیز در اختیار داشتند. لذا دیدگاه ایشان تنها متکی به تأمین مالی حوزه مدیریت خود از طریق درآمدهایی مانند وجوهات شرعی نبود و در این زمینه گسترش بیشتری داشت که افتراق این تاکتیک نیز به شرایط عصر حاضر برمی‌گردد. در عصر حاضر مدیریت را باید یک حرفه و شغل به شمار آورد زیرا با توسعه سازمان‌های بزرگ دولتی نیاز به مدیران حرفه‌ای به خوبی احساس می‌شود. در این عصر مسئولیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم از بسیاری جهات به عهده مدیران واگذار شده است؛ بنابراین مدیران باید از قدرت درک سرشاری برخوردار باشند تا بتوانند به نحو صحیح و کارآمدی مدیریت خود را اعمال نمایند و از عهده مسئولیت برآیند. از این رو جلب همکاری افراد توانا یا کشف استعدادها و پرورش آن‌ها به طوری که به مدیران توانایی تبدیل شوند در تأمین منابع مدیریت از اولویت خاصی برخوردار است. در سازمان‌های کنونی، فرایند تصمیم‌گیری بسیار پیچیده و مشکل است و آگاهی مدیر به تمام جنبه‌های کاری سازمان به علت تنوع دامنه علوم مورد نیاز امکان پذیر نیست. از این رو، مدیر باید حداقل دارای این مهارت‌ها باشد: مهارت فنی، مهارت انسانی و مهارت نظری.

لذا مدیران انتظامی که در اختیار حضرت علی(ع) بوده‌اند با توجه به عدم پیشرفت علم مدیریت در آن زمان کمتر از مهارت‌های مذکور بهره‌مند بوده‌اند و چنانچه مدیری اندکی از مهارت‌های مذکور را اعمال می‌نموده است بر اثر تجارب و... استعدادهای شخصی بوده است.

ولی در عصر امام خمینی (ره) با عنایت به پیشرفت‌های علمی خصوصاً در باب مدیریت، از منابع انسانی بهره گرفته از این علوم بسیار یافت می‌شود که این مورد باعث افتراق در تاکتیک‌های مدیریتی آن دو بزرگوار گردیده است. در بحث استفاده از منابع حقوقی به علت اینکه هر دو رهبر از منابع فقهی و حقوقی اسلامی استفاده می‌نموده‌اند وجه افتراق تاکتیکی هم وجود ندارد.

♦ **هدایت و رهبری انتظامی:** سبک رهبری یا طریقی که رهبر از نفوذش برای کسب اهداف استفاده می‌کند داشتن قدرت شخصی، قدرت پست و مقام و قدرت مشروع (قانونی) است که در زمینه قدرت شخصی حضرت علی از امام خمینی بسیار بالاتر بوده است لیکن مردم جامعه تحت حاکمیت حضرت علی (ع) به علت فقدان شعور و درک و فرهنگ، از درک و استفاده از این قدرت عاجز و ناتوان بوده‌اند. لذا شاهد رنجش و آزار امام علی (ع) در رهبری امت خود در بسیاری از موارد هستیم. در صورتی که امام خمینی در خصوص استفاده از قدرت شخصی خود بسیار راحت‌تر عمل نموده و درک متقابل این قدرت از سوی افراد جامعه متبوع ایشان نیز بسیار بالاتر بوده است. لذا نتیجه اینکه افتراق در شیوه‌های رهبری خصوصاً رهبری انتظامی دو رهبر بزرگ، نیز در تاکتیک‌های برخورد و هدایت و رهبری جامعه تحت حاکمیتشان بوده است و در اصول و مبادی یکسان بوده‌اند.

♦ **نظارت و کنترل انتظامی:** یکی از بارزترین وجوه افتراق تاکتیکی، انتصاب نماینده در واحدهای انتظامی، تحت عنوان نماینده ولی فقیه و مسئول عقیدتی - سیاسی، از سوی امام خمینی می‌باشد. کارایی این نوع کنترل ناشی از ساختار سازمانی نیروهای انتظامی در عصر امام خمینی است. لذا طبیعی است که در عصر حضرت علی (ع) به علت فقدان سازمان رسمی نیروهای انتظامی کارایی نخواهد داشت و گماردن بازرسان مخفی کاراثر عمل می‌کند. همچنین سیستم کنترل مردمی نیز از دیگر وجوه افتراق تاکتیکی آنان می‌باشد که در این موارد حضرت علی (ع) از بازرسان مخفی استفاده می‌نموده‌اند ولی در زمان امام خمینی به صورت گزارش، شکوائیه و.. کنترل مردمی اعمال می‌شده است. به هر حال شرایط زمانی و مکانی و موقعیتی با توجه به وضعیت موجود مستلزم به کارگیری تاکتیک‌هایی متفاوت می‌باشد.

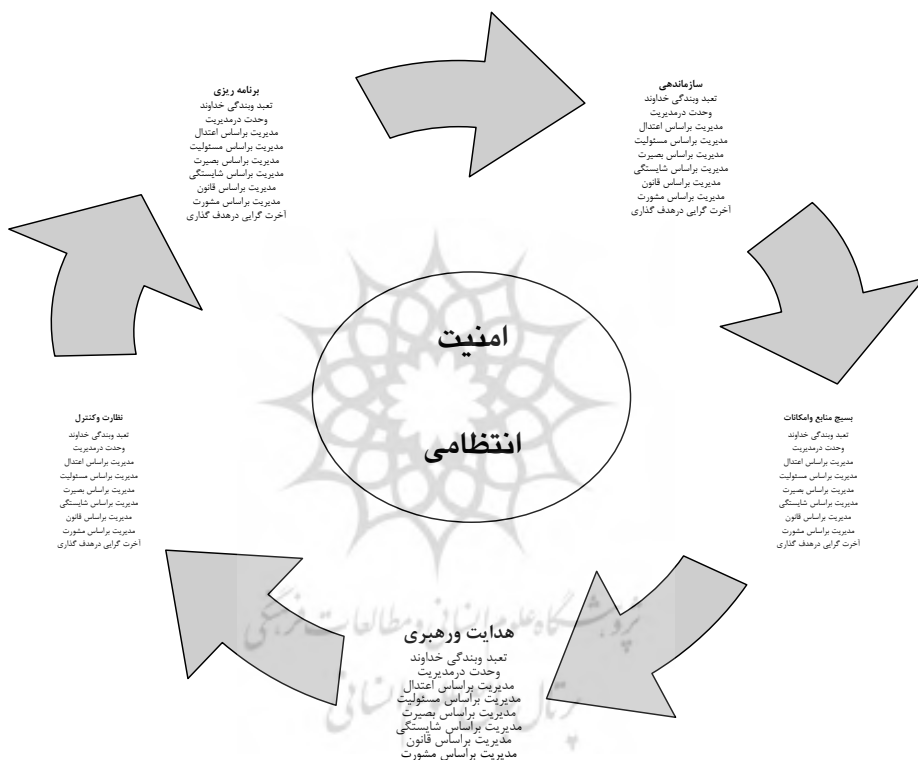
جدول ۱. مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های حضرت علی (ع) با دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در مدیریت انتظامی

اصول مدیریت انتظامی	از دیدگاه حضرت علی(ع)	از دیدگاه امام خمینی(ره)
برنامه‌ریزی انتظامی	<ul style="list-style-type: none"> برنامه‌ریزی جهت رعایت نظم و انضباط در اداره امور انتظامی برنامه‌ریزی جهت برداشتن فاصله میان کارگزاران انتظامی با مردم (خدمتگزاری) برنامه‌ریزی جهت سوءاستفاده نکردن از مقام و منصب اجتماعی (رضایت خدا) برنامه‌ریزی جهت برخورد محبت آمیز، رافت و خیرخواهی نسبت به مردم (خدمتگزاری) برنامه‌ریزی جهت ایجاد فضای مناسب برای انتقاد پذیری (خدمتگزاری) برنامه‌ریزی جهت مقاومت در برابر تهدید و تطمیع (نقش ایمان) برنامه‌ریزی جهت برقراری عدالت اجتماعی در مدیریت انتظامی (رضایت خدا و خدمتگزاری) 	<ul style="list-style-type: none"> نظم و انضباط اساس برنامه‌ریزی انتظامی حفاظت امنیتی - انتظامی از مراکز حساس و حیاتی شهرها نقش ایمان در برنامه‌ریزی امور انتظامی تأکید بر نقش خدمتگزاری در برنامه‌ریزی توجه به جایگاه رضایت خدا در برنامه‌ریزی
سازماندهی انتظامی	<ul style="list-style-type: none"> امانت دانستن مسئولیت‌ها در سازماندهی عدم واگذاری مدیریت انتظامی به افراد متملق و چاپلوس سازماندهی براساس سادگی کارگزاران انتظامی و دوری از تجمل و تشریفات (ساختار اسلامی ع س) سازماندهی انتظامی جهت بهره‌مندی مدیران از مشورت و دوری از استبداد رأی (انتخاب مدیر براساس شایستگی) تقسیم کار و تعیین مسئول براساس شایستگی دیوان چند (سیاه) گامی در سازماندهی 	<ul style="list-style-type: none"> انتصاب نماینده در نیروهای انتظامی، گامی در سازماندهی انتظامی (ساختار اسلامی) تشکیل نمایندگی ولی فقیه (سازمان عقیدتی - سیاسی) در نیروهای انتظامی تشکیل نیروهای انتظامی (کمیته‌های انقلاب و سیاه پاسداران) تقسیم کار و مسئولیت، تفویض اختیار و انتصاب مدیران با در نظر گرفتن کرامات انسانی
بسیج منابع و امکانات انتظامی	<ul style="list-style-type: none"> دیوان چند (سیاه) تشکیلاتی برای بسیج منابع و امکانات در امور نظامی و انتظامی (تجهیز نیروهای انتظامی) اعتقاد به بسیج عمومی مردم (امر به معروف و نهی از منکر) تأمین منابع مدیریت از افراد شایسته و مؤمن (انکا به بسیج توده‌های مردمی) 	<ul style="list-style-type: none"> تجهیز نیروهای انتظامی با توجه به آیات قرآنی (واعدوا لهم ما لست تعلمون من قوه) توجه به بسیج منابع و امکانات مردمی تأکید به تفکر دفاع و نظم، وظیفه عمومی در بسیج منابع و امکانات (امر به معروف و نهی از منکر) حمایت از برقراری امنیت در کشور به کمک بسیج عمومی حمایت مردمی (بسیج عمومی منابع و امکانات) از اصول مورد تأکید حضرت امام (ره)
هدایت و رهبری امور انتظامی	<ul style="list-style-type: none"> رهبری براساس ایجاد انگیزه الهی تشویق انگیزه تلاش بیشتر (تشویق ابزار قدرت مشروع است) برخورداری از پشتیبانی مردمی و مردمی بودن عامل انگیزش نیروها جلب اعتماد مردمی عامل انگیزش در امور انتظامی (پشتوانه مردمی) محبت و رسیدگی به نیزها از عوامل ایجاد انگیزه (قدرت مشروع) تجلیل و تشویق، توبیخ و تنبیه به موقع و رعایت اعتدال، در امور انتظامی (تشویق و تنبیه ابزار قدرت مشروع است) هدایت براساس امر به معروف و نهی از منکر 	<ul style="list-style-type: none"> هدایت براساس امر به معروف و نهی از منکر نقش انگیزه الهی، اسلامی و برخورداری از حمایت مردمی در انگیزش کارگزاران مدیریت انتظامی نقش هدایت خودجوش مردم برای امنیت (شور انقلابی اسلامی) نقش قدرت اسلام، ایمان و بیداری ملت در سایه تعالیم قرآنی در هدایت امور انتظامی (انگیزه الهی) رهبری براساس قدرت مشروع
نظارت و کنترل انتظامی	<ul style="list-style-type: none"> امنیت عمومی با اجرای قانون و امر بمرعوف و نهی از منکر (خودکنترلی) بازرسی و نظارت بر امور انتظامی کباردن مأمور مخفی (انتصاب نماینده) برخورد با متخلفان نظارت و کنترل بر اساس کنترل آینده نگر نظارت و کنترل براساس ایجاد انگیزه خود کنترلی 	<ul style="list-style-type: none"> قانون و نظم معیاری برای کنترل در مدیریت انتظامی نظارت و کنترل براساس ایجاد انگیزه خود کنترلی یا بر اساس احساس حضور خداوند (خودکنترلی) نظارت و کنترل بر اساس انتصاب نماینده نظارت و کنترل بر اساس نظارت مردمی (برخورد با متخلفان) نظارت و کنترل بر اساس کنترل آینده نگر

حال با توجه به وجوه اشتراک در مبادی و راهبرد و افتراق در تاکتیک‌های اصول میتوان الگوی زیر استنتاجی از دیدگاه‌های مشترک حضرت امام خمینی(ره) و حضرت علی(ع) در مدیریت انتظامی را نتیجه گرفت.

نمودار ۳. الگوی مدیریت انتظامی منطبق بر دیدگاه‌های مشترک امام خمینی(ره) و حضرت

علی(ع)



پیشنهادها:

- ۱- اصول علمی مدیریت انتظامی منطبق بر دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(رض) و حضرت علی علیه السلام، به عنوان ۲ واحد درسی در دانشکده‌های انتظامی خصوصاً دانشکده فرماندهی و ستاد که محل آموزش مدیریت انتظامی است تدریس شود.
- ۲- این اصول به عنوان اصول مدیریت انتظامی اسلامی در دوره‌های کوتاه مدت برای مدیران ارشد انتظامی در واحدهای انتظامی خصوصاً واحدهایی که بیشتر در ارتباط کاری با مردم هستند تدریس گردد.

- ۳- اصول مربوطه به صورت منشوری از مدیریت انتظامی تهیه و در معرض دید همیشگی مدیران انتظامی قرار داده شود تا رعایت آن تاکید گردد.
- ۴- مطالب مذکور به صورت کتابی چاپ و در مرکز آموزش مدیریت دولتی در اختیار مدیران شهری که به نحوی با نظم و انتظام شهرها ارتباط دارند قرار گیرد.
- ۵- از مطالب مورد اشاره در همایش های امنیت اجتماعی که مدیران ارشد و مسئول نظم و انتظام و امنیت جامعه حضور دارند مورد بررسی بیشتر قرار داده و به صورت وسیع تری به آن پرداخته شود.
- ۶- مطالب این تحقیق به صورت کاربردی در مدیریت های نظامی و انتظامی به مرحله اجرا درآید.
- ۷- از نتایج این پژوهش در متون آموزشی مدیریت در واحدهای بسیج، ارتش و سپاه پاسداران استفاده شود.
- ۸- از نتایج این پژوهش در برنامه ریزی مدیریتی بسیاری از مدیریت های شهری مانند استانداری ها، بخشداری ها و واحدهای امنیتی کشور استفاده شود..

کتابنامه

- آذر، ایمانوئل و بارت، میشل (۱۳۸۱) **مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**، ترجمه اصغر افتنخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتنخاری، اصغر (۱۳۷۹). **انتظام ملی: جامعه شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی**، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- آیتی، عبدالحمید (۱۳۷۶). **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۰). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۸). **صحیفه امام خمینی**، مجموعه ۲۲ جلدی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- رضائیان، علی (۱۳۸۲). **اصول مدیریت**، تهران: سمت.
- زارعی متین، حسن (۱۳۸۴). **مبانی سازمان و مدیریت**، تهران: دانشگاه تهران.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۹). **آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)**، تقریر و تنظیم حسن کریمی، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلهر، رضا (۱۳۸۵). **بررسی مبانی شاخصهای امنیت انتظامی**، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی.
- معین، محمد (۱۳۷۵). **فرهنگ معین**، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.

معین، محمد. (۱۳۷۵). **فرهنگ معین**، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
 نهج البلاغه، (بی تا). **ترجمه مصطفی زمانی**، بی جا.
 وانقی، قاسم (۱۳۸۰). **تدابیر وسیره عملی امام علی(ع) در تأمین امنیت اجتماعی**، تهران: مرکز تحقیقات نیروی انتظامی.

سایر منابع برای مطالعه بیشتر:

ابراهیم حسن، حسن (۱۳۶۶). **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ ۶، بی جا، جاویدان.
 ادیب، عادل (بی تا). **زندگی تحلیلی پیشوایان ما**، ترجمه اسدالله مشیری، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی.
 افتخاری، اصغر (پاییز و زمستان ۱۳۷۸). **ظرفیت طبیعی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی** (ویژه خشونت و جمعیت) شماره ۵۶.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). **انتظام ملی، جامعه‌شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی**، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

افجه ای، علی اکبر (۱۳۸۳). **مدیریت اسلامی**، چاپ پنجم، تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبایی.
 پارکینسون، نورث کوث (۱۳۷۰). **اندیشه‌های بزرگ در مدیریت**، ترجمه مهدی ایران نژادپاریزی، تهران: موسسه بانکداری ایران.

تقی کوفی، ابراهیم ابن محمد (بی تا). **الغارات**، ترجمه محمد باقر کمراهی، [بی جا]، فرهنگ اسلام.
 جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۳۵). **نظام حقوقی جزایی در اسلام**، تهران: گنجی.

جعفری، محمد تقی (۱۳۶۰). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی املی (۱۳۶۹). **اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران: نشر نی.

چیکرت، دونالد (۱۳۷۸). **نظریه‌های سیاستهای مقایسه ای**، ترجمه علیرضا طیب و وحیدبزرگی، تهران:

موسسه خدمات فرهنگی رسا.

حاضری، مهدی (تدوین گر) (۱۳۸۱). **امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، تبیان آثار موضوعی**

(دفتر ۳۸)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

خمینی، روح الله (۱۳۶۸). **صحیفه امام خمینی**، مجموعه ۲۲ جلدی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی ره.

ذاکری، علی اکبر [بی تا]. **سیمای کارگزاران علی ابن ابی طالب**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

رضائیان، علی (۱۳۸۲). **اصول مدیریت**، تهران: سمت.

رفیعی، حسن رضا (۱۳۸۰). **امور انتظامی در نظام حسبه اسلامی**، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

زارعی متین، حسن (۱۳۸۴). **مبانی سازمان و مدیریت**، تهران: دانشگاه تهران.

- زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۶). **فرهنگ جامع مدیریت**، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷ - ۱۳۸۲)، **فقه سیاسی**، تهران: امیر کبیر.
- ساجدی نیا، محمد حسین (۱۳۸۲). **اصول و مبانی مدیریت اسلامی**، تهران: شهر آشوب.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). **دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی**، کتاب اول، تهران: کیهان.
- شمس الدین، محمدمهدی (۱۳۷۵). **نظام حکومت و مدیریت در اسلام**، ترجمه سیدمرتضی ایت الله زاده، تهران: دانشگاه.
- طبری، محمد بن حریر (۱۴۰۷ ه. قمری). **تاریخ طبری**، موسسه عزالدین.
- طبری، محمدبن حریر (بی تا). **تاریخ طبری**، ج ۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی جا، اساطیر.
- طبیعی، منصور (۱۳۷۹). **سیمای امنیت در نهج البلاغه**، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- عمید، حسن (۱۳۵۴)، **فرهنگ عمید**، تهران: جاویدان.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۹). **آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)**، تقریر و تنظیم حسن کریمی، چاپ ۸، تهران: دفتر نشر اسلامی.
- فردریک، کاپلستون (۱۳۶۹). **تاریخ فلسفه هیوم**، تهران: سروش.
- فرنج، درک وسورد، هیتز (۱۳۷۵). **فرهنگ مدیریت**، ترجمه محمد صائبی، چاپ دوم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- فیض الاسلام، علینقی (۱۳۷۰). **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، جلد ۱-۶، تهران: چاپخانه حیدری.
- قانون استخدام نیروی انتظامی (۱۳۸۳)** تهران: معاونت آموزش نیروی انتظامی.
- القرشی، باقر شریف (۱۳۶۹). **نظام حکومتی و اداری در اسلام**، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس رضوی.
- قریشی، علی اکبر (۱۳۶۱). **قاموس قرآن**، تهران: بی جا.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۶). **سیاست‌های مقایسه ای**، تهران: سمت.
- کلهر، رضا (۱۳۸۵). **بررسی مبانی شاخص‌های امنیت انتظامی**، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی.
- کلینی، یعقوب ابن اسحاق (بی تا). **اصول کافی**، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی محلاتی، بی جا چهارده معصوم.
- کونتز و اودانل (۱۹۷۲). **اصول مدیریت**، ترجمه محمدهادی چمران، بی تا، بی جا.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هجری قمری). **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۲۳.
- مدیریت و فرماندهی (۱۳۷۷)** تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، معاونت آموزش.
- مرندی، مهدی (۱۳۸۰). **بسیج در اندیشه امام خمینی، تبیان آثار موضوعی**، دفتر ۲۹، تهران: موسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مشیری، مهشید (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی، جلد دوم، بی جا، نشر پیکان .

مصطفوی، حسن (۱۳۷۴). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). بیست گفتار، قم: صدرا.

معلوف یسوعی، لويس (۱۹۸۶). المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت: دارالمشرق.

معینی نیا، مریم (۱۳۷۹). سیره اداری امام علی (ع) در دوران خلافت، تهران: امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷). فرماندهی و مدیریت در اسلام، چاپ دوم، قم: هدف.

نهج البلاغه، (بی تا). ترجمه مصطفی زمانی، بی جا.

الوانی، سید مهدی (۱۳۷۲). مدیریت عمومی، تهران: نشرنی.

هیكسی و ری گولت (۱۳۸۵). نظریه‌های سازمان و مدیریت، ترجمه و نگارش گوئل کهن، تهران:

اطلاعات

یعقوبی، ابن واضح (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، جلد ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی چ ۶ تهران: علمی و فرهنگی.

